



University of Tehran Press

Social Capital Management

Home Page: <https://jscm.ut.ac.ir/>

Online ISSN: 2423-6233

Institutional Synergy and Social Capital; The Role of Institutional Synergy in The Management of the Metropolitan Region of Tehran

Mehdi Aliyan^{1*} | Seyed Mohamad Rahim Mortazavi²

1. Corresponding Author, Club of Young and Elite Researchers, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran Email: alian87m@gmail.com

2. Department of Public Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: Smrmb467@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received March 06, 2023

Revised May 02, 2023

Accepted May 22, 2022

Published online 03 September 2023

Keywords:

*Institutional Capacity,
Managerial separation,
Synergy,
Institutional Approach,
Metropolitan Areas,
Tehran.*

ABSTRACT

Institutional integration is known as the seed of participatory and Social capital enhancer in metropolitan areas, which along with social trust and institutional rules can bring a fruitful product of institutional participation and good management. But the main issue is to recognize the internal and external capacities of institutions in promoting synergies. In this regard, the present study with the aim of measuring the capacity of institutional synergy in the management of Tehran metropolitan area, has investigated and analyzed the capabilities of intra-institutional and inter-institutional synergy. Due to the nature of the subject, this research is applied research that has been done with survey methods. The required data were collected using a questionnaire and analysis by T-test, one-way analysis of variance and F-test. The results show that the capacity of intra-institutional and inter-institutional synergy in the metropolitan area of Tehran is higher among public and private institutions than governmental and public institutions. Therefore, focusing on more capacities of private and public institutions in order to exploit them and reform the existing power structure in the metropolitan area of Tehran with emphasis on more capacity building in governmental and public institutions becomes more important. Development of positive institutional capacities, decentralization of power of key urban stakeholders in favor of institutions with greater capacity, design of dialogue and integrated program between institutions and institutionalization of Tehran metropolitan area can solve many of the problems of metropolitan areas due to segregation and institutional conflicts.

Cite this article: Aliyan, M., Mortazavi, M. R. (2023). Institutional Synergy and Social Capital; The Role of Institutional Synergy in The Management of the Metropolitan Region of Tehran. *Social Capital Management*.10 (3), 245-261. Doi: 10.22059/JSCM.2023.356408.2396



© Mehdi Aliyan, Seyed Mohamad Rahim Mortazavi. Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSCM.2023.356408.2396>



هم‌افزایی نهادی و سرمایه اجتماعی؛ نقش هم‌افزایی نهادی در مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران

مهدی علیان^{۱*} | سید محمدرحیم مرتضوی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران، ایران. رایانامه: alian87m@gmail.com
 ۲. گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. رایانامه: Smmrb467@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

کلیدواژه:

تفرق مدیریتی،

تهران،

رویکرد نهادی،

ظرفیت نهادی،

مناطق کلان‌شهری،

هم‌افزایی

هم‌افزایی نهادی به مثابه بذر سیاست‌های مشارکتی و مقوم سرمایه اجتماعی در مناطق کلان‌شهری شناخته می‌شود که در کنار اعتماد اجتماعی و قواعد نهادی می‌تواند محصول پربار مشارکت نهادمند و مدیریت شایسته را به ارمغان بیاورد. اما مسئله اساسی در این حوزه شناخت ظرفیت‌های درونی و برونی نهادها در ارتقای هم‌افزایی‌ها است. در همین زمینه پژوهش حاضر با هدف سنجش ظرفیت هم‌افزایی نهادی در مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران اقدام به بررسی و تحلیل ظرفیت‌های هم‌افزایی درون‌نهادی و میان‌نهادی کرده است. این پژوهش بنا بر ماهیت مسئله مورد بررسی در رده پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد که با استفاده از روش‌های پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش همه نهادهایی است که در محدوده منطقه کلان‌شهری به عنوان یکی از کنشگران اثرگذار در منطقه کلان‌شهری فعال هستند. حجم نمونه نیز با فرمول کوکران ۴۰۰ نمونه برآورد و با استفاده از روش سهمیه‌ای تعیین شد. پس از گردآوری داده‌های پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه، از آزمون‌های T-test، تحلیل واریانس یک‌طرفه و F به منظور تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد شاخص سرمایه و ظرفیت انسانی با توجه به سطح اطمینان ۹۵ درصد در نهادهای دولتی (۶/۱۳۲)، عمومی (۳/۷۲۸)، مردمی (۲۸/۷۸۰)، و خصوصی (۳۳/۶۷۹) اختلاف معناداری با میانگین دارد و ظرفیت هم‌افزایی درون‌نهادی و هم‌افزایی میان‌نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران میان نهادهای مردمی و خصوصی نسبت به نهادهای دولتی و عمومی بیشتر است. بنابراین تمرکز بر ظرفیت‌های بیشتر نهادهای خصوصی و مردمی جهت بهره‌برداری از آن‌ها و اصلاح ساختار قدرت موجود در منطقه کلان‌شهری تهران با تأکید بر ظرفیت‌سازی بیشتر در نهادهای دولتی و عمومی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. توسعه ظرفیت‌های مثبت نهادی، تمرکززدایی قدرت ذی‌نفعان کلیدی شهری به نفع نهادهای دارای ظرفیت بیشتر، طراحی فضای گفت‌وگو و برنامه یکپارچه میان نهادها، و نهادسازی منطقه کلان‌شهری تهران می‌تواند گام‌های نخستین حل بخش زیادی از مشکلات مناطق کلان‌شهری، که به واسطه تفرق‌ها و تقابل‌های نهادی ایجاد شده، باشد.

استناد: علیان، مهدی و مرتضوی، سید محمدرحیم (۱۴۰۲). هم‌افزایی نهادی و سرمایه اجتماعی؛ نقش هم‌افزایی نهادی در مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۰ (۳) ۲۴۵-۲۶۱.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSCM.2023.356408.2396>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© مهدی علیان، سید محمدرحیم مرتضوی.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSCM.2023.356408.2396>



مقدمه

امروزه در ساختار مدیریت شهری و کلان‌شهری تعامل و ارتباطات درون‌نهادی و میان‌نهادی اهرمی برای بهینه‌سازی عملکرد سازمانی محسوب می‌شود. بسیاری از ناکارآمدی‌های مدیریت شهری حال حاضر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، ناشی از تعدد و فزونی نهادی و ضعف هم‌افزایی نهادی-سازمانی است که منجر به فزونی چالش‌های شهری و پاسخگو نبودن مدیریت شهری به مسائل متعدد آن- همچون فقر، بی‌کاری، ناهنجاری‌های اجتماعی، تراکم اخلاقی، حاشیه‌نشینی، شکاف طبقاتی، ترافیک، کمبود خدمات، و ... شده است. به عبارتی، جایگزین شدن تقابل نهادی با تعامل نهادی در مقیاس خرد و کلان مدیریت شهری به این مشکلات انجامیده است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۶). بنابراین، برنامه‌ریزی‌های مدیریت شهری، حتی اگر دارای بهترین اهداف و طرح‌ها و برنامه‌ها باشند، به دلیل ضعف تعامل و مشارکت نهادی اثرگذاری بایسته را نخواهند داشت. در مباحث سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی شهری، مواجهه و حل چنین چالش‌هایی به‌سادگی صورت نمی‌پذیرد و نیازمند رویکرد ویژه با در نظر گرفتن این پیچیدگی‌های ماهیتی و نهادی است (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰). در همین زمینه، رویکردهای مبتنی بر نهادگرایی به طور ویژه تعاملات میان‌نهادی و میان‌سازمانی را کندوکاو می‌کند (Meijer & Thaens, 2018: 364) که در گام نخست مستلزم توجه به ظرفیت‌های نهادی برای تعامل‌ها و هم‌افزایی‌های میان‌نهادی و میان‌سازمانی است. این مسئله که از آن با عنوان «زیرساخت ظرفیتی حل مسائل دشوار و سخت در حوزه قدرت» یاد می‌شود در کلیدواژه‌ای به نام «پل زدن^۱ میان نهادها» مطرح شده و به منزله چاره بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادی و مقدم بر آن زیرساخت‌های ظرفیتی در حوزه حکمروایی شناخته می‌شود (Nalbandian, 2005: 311). بنابراین هر گونه برنامه‌ریزی در جهت هم‌افزایی درون‌نهادی و میان‌نهادی در مناطق کلان‌شهری مستلزم شناخت ظرفیت‌های آن است.

در منطقه کلان‌شهری تهران نیز مسئله‌ای که امروزه در ساختارهای قدرت آن پی گرفته می‌شود تأکید بر بهینه‌سازی عملکردی سازمانی و نهادی با استفاده از هم‌افزایی‌ها و تعامل‌های درون‌نهادی و میان‌نهادی است تا بتواند مقوم سرمایه اجتماعی باشد؛ امری که می‌تواند مسئله و ضعف مهم مدیریت مناطق کلان‌شهری، که ناشی از تعدد و تکثر کنشگران است، را به طرز محسوس و چشمگیر حل کند. زیرا در غیاب این هم‌افزایی‌های درون‌نهادی و میان‌نهادی پدیده‌ای نامبارک به نام تقابل‌های نهادی به منصف ظهور رسیده است که علاوه بر گسترش تفرق‌های گوناگون برنامه‌ای، سیاستی، عملکردی، و قلمروی اثرگذاری اقدامات مدیریتی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند به چالش اساسی در این منطقه کلان‌شهری تبدیل شود.

مروری بر برنامه‌های مصوب و مرتبط با منطقه کلان‌شهری تهران از منظر نوع نگاه به منطقه کلان‌شهری و سازوکارهای احتمالی برای برنامه‌ریزی و مدیریت این منطقه نشان‌دهنده مغفول ماندن واقعیت منطقه کلان‌شهری و نظام مدیریت آن در برخی از برنامه‌ها و طرح‌هاست. در طرح‌هایی هم که با ارائه الگو و پیشنهاد همراه است فقدان نظام اجرایی به مسکوت ماندن این طرح‌ها و پیشنهادها منجر شده است. به بیان دیگر هرچند طرح‌ها و ایده‌های نوینی برای منطقه کلان‌شهری تهران ارائه شده است، هیچ‌یک از آن‌ها به مرحله اجرا نرسیده و ساختار کنونی مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران با الگوهای مدیریتی متمرکز و با فاصله زیاد از الگوهای حکمروایی مدیریت و اداره می‌شود. در همین زمینه هدف پژوهش حاضر شناخت وضعیت ظرفیت‌های هم‌افزایی نهادی و شرایط نهادهای مختلف در این حوزه است. در واقع، این پژوهش با بررسی وضعیت نهادهای مختلف به دنبال شناخت ظرفیت‌های نهادها برای هم‌افزایی نهادی و پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- عوامل تأثیرگذار بر ارتقای ظرفیت‌های هم‌افزایی نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران کدام‌اند؟
- وضعیت ظرفیت هم‌افزایی نهادی در نهادهای مسئول منطقه کلان‌شهری تهران چگونه است؟

پیشینه نظری

ظرفیت نهادی و ظرفیت‌سازی نهادی مفهومی است که از طرف طیف گسترده‌ای از متخصصان و مدیران به منظور بسیج کردن تغییرات نهادی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Brown, 2008: 222). در رویکرد نهادی، ظرفیت نهادی و ظرفیت‌سازی نهادی

اصطلاحی است که برای ایجاد و تسریع تغییر نهادی مورد حمایت قرار گرفته است و چنین استدلال می‌شود که این مفهوم به صورت بنیادی نیازهای توسعه را بازگو می‌کند. براون (۲۰۰۸: ۲۲۳) بر آن است که ظرفیت‌سازی نهادی در سه حوزه توسعه منابع انسانی، توسعه و تقویت ساختارهای درون‌سازمانی و روابط بین‌سازمانی، و اصلاح و بهبود بسترهای قانونی و مقرراتی و ابزارهای سیاستی برای توانمند ساختن سازمان‌ها و نهادها صورت گرفته است. از نظر این رویکرد ایجاد شرایط برای توسعه مستلزم بهبود ظرفیت‌های نهادی-سازمانی در سطوح محلی و منطقه‌ای است (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۷۷) و چنین استدلال می‌شود که این رویکرد به صورت بنیادی نیازهای توسعه را بازگو می‌کند (لاله‌پور، ۱۳۹۶: ۶۱).

مفهوم ظرفیت نهادی ریشه در مباحث برنامه‌ریزی دارد و به عنوان چارچوبی برای تحلیل سیاست‌ها و فرایندهای برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Polk, 2011: 186). این مفهوم دارای سه مؤلفه کلیدی است؛ شامل:

- منابع دانشی؛ به دانش رسمی، غیررسمی، چارچوب‌های مرجع، و معانی آن‌ها در فهم یک موضوع ویژه اشاره دارد (Isaksson & Hagbert, 2020: 85). منابع دانش ظرفیت اقدام جمعی بر اساس کیفیت دانش و تجربه اعضای یک جامعه و همچنین وجود سطحی از هم‌سوئی مشترک بین مشکلات و راه‌حل‌ها تعریف می‌شود (Abreu & Ceglia, 2018: 100).

- منابع رابطه‌ای؛ به حضور شبکه‌های اجتماعی پیونددهنده کنشگران و به روابط قدرت مربوط است (Isaksson & Hagbert, 2020: 85). منابع رابطه‌ای ظرفیت اقدام جمعی بر اساس کیفیت روابط تعریف می‌شود که شامل تعداد و دامنه کنشگران و بازیگران درگیر در شبکه و همچنین میزان اعتماد در میان آن‌ها است (Abreu & Ceglia, 2018: 100).

- ظرفیت‌های بسیج؛ به توانایی کنشگران و بازیگران در استفاده از دانش و شبکه‌ها به منظور به چالش کشیدن ساختارهای قدرت و تغییر روندها اشاره دارد (Isaksson & Hagbert, 2020: 85). ظرفیت بسیج در واقع فعالیت جمعی است که مبتنی بر وجود یک چشم‌انداز استراتژیک مشترک و حضور بازیگران و کنشگران با توانایی و رغبت برای هدایت امور در یک جامعه هستند (Spekkink, 2015: 134).

گیبس^۱ و همکارانش نیز ظرفیت نهادی را در ارتباط تنگاتنگ با حکمروایی می‌بینند و بر آن‌اند که ظرفیت نهادی تا اندازه زیادی به واسطه حضور آژانس‌های توسعه و انجمن‌ها و اتحادیه‌های تجاری و تشکل‌ها و سازمان‌های داوطلب شکل می‌گیرد. در حالی که به نظر هودسون^۲ ظرفیت نهادی صرفاً به معنی تعداد و تراکم نهادها در درون یک منطقه نیست، بلکه به قوت و توانایی و چگونگی تعاملات آن‌ها با هم اشاره داد (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

اگرچه اصطلاح‌های ظرفیت و نهاد اغلب با هم مورد استفاده قرار می‌گیرند، اصطلاح ظرفیت نسبت به نهاد دارای ابهام و پیچیدگی کمتری است. یکی از سؤالات کلیدی در رابطه با نقش نهادها در امر توسعه ظرفیت نهادی^۳ آن‌هاست که شامل ظرفیت نهادی برای انتقال، تغییر و تحول است. در این زمینه ظرفیت نهادها اغلب به عنوان ظرفیت جذب^۴ ساختارها و منابع در یک گستره جغرافیایی (شهر، منطقه، کشور) مطرح می‌شود (Sumpor, 2007: 3). سازمان ملل متحد قائل به سه سطح در حوزه ظرفیت‌ها برای مدیریت و حکمروایی شهری و منطقه‌ای است. این سه سطح عبارت‌اند از:

- سطح فردی؛ در سطح فردی ظرفیت‌سازی شامل ایجاد شرايطی است که بر مبنای دانش و مهارت‌های موجود و افزایش استفاده از آن‌ها، در حوزه‌ها و مسیرهای نوین، کنشگران و بازیگران توانایی مستمر برای یادگیری و سازگاری با تغییرات را دارند.

- سطح نهادی؛ ظرفیت‌سازی در سطح نهادی بر تقویت و کمک به نهادهای موجود و گذشته و مدرن‌سازی آن‌ها به جای نهادسازی جدید تأکید دارد. در این فرایند مدرن‌سازی نهادهای گذشته توسعه ظرفیت برای حمایت از سیاست، اثربخشی سازمانی، و مدیریت درآمدها و هزینه‌ها بسیار مهم است.

1. Gibbs

2. Hudson

3. institutional capacity

4. absorption capacity

• سطح اجتماعی؛ در نهایت، توسعه ظرفیت در سطح اجتماعی نیازمند حمایت پارادایمی از مدیریت تعاملی است که به طور مساوی از فعالیت‌ها و بازخوردهایی که به دست می‌آورد استفاده کند. در واقع برای رسیدن به سطوح قابل قبول از پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های مدیریت دولتی نظارت مؤلفه‌ای کلیدی است که در قالب بهره‌گیری از ظرفیت اجتماعی و تغییر اجتماعی باید انجام گیرد (UNDP, 2006: 7).

توجه به ظرفیت نهادی در مناطق کلان‌شهری را از این جنبه می‌توان نگرینست که اجرای سیاست‌های مختلف عمومی و پایداری کلان‌شهرها زمانی بیشتر است که ظرفیت‌های نهادی بهره‌بردار از منابع مختلف وجود داشته باشد (Zimmermann et al., 2020: 26). آنچه به عنوان ظرفیت نهادی در مناطق کلان‌شهری از آن یاد می‌شود عمدتاً دارای دو پایه نظری است که شامل رویکردهای برنامه‌ریزی ارتباطی - مشارکتی و سرمایه اجتماعی است که در سطوح درون‌نهادها یا میان‌نهادها و سازمان‌ها وجود دارد (Polk, 2014: 187).

هم‌افزایی نهادی در مدیریت شهری، به عنوان ویژگی جمعی، محصول فرعی فعالیت‌های درون‌نهادی و میان‌نهادی سازمان‌های شهری است که مکمل عمل جمعی محسوب می‌شود و به عنوان پدیده‌ای مدیریتی دارای ویژگی‌های اعتماد، همکاری، مشارکت، تعامل، تسهیلگری، شناخت متقابل، و شبکه است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۵). اگرچه از منظر مباحث تئوریک هم‌افزایی را منبعث از نظریه سرمایه اجتماعی می‌دانند و در منابع مختلف به مثابه اساس یا نتیجه حکمروایی از آن یاد می‌کنند، هم‌افزایی میان‌نهادی را می‌توان در نظریات دیگر نیز جست‌وجو کرد؛ طوری که در نظریه نهادگرایی حکومت‌های منطقه‌ای به مثابه ترکیبی پیچیده از قواعد نهادی شناخته می‌شود که منابع و کنشگران سطوح متفاوت ملی، قوانین منطقه‌ای، فرهنگ‌های سازمانی، و احزاب سیاسی در آن نقش آفرینی می‌کنند و همین قواعد پیچیده نهادی مستلزم هم‌افزایی‌های نهادی است.

در همین زمینه چارچوب بحث ظرفیت نهادی در مناطق کلان‌شهری را می‌توان در قالب هم‌افزایی‌های درون‌نهادی و میان‌نهادی جست‌وجو کرد که کنش جمعی میان کنشگران را به واسطه موقعیت، اقتدار، و ترتیبات قانونی معنا می‌کند و بستر ساز کنش عامدانه در سطوح بالاتر از سطوح محلی است و همین تعاملات (برهم‌کنش‌های) بین و درون واحدهای نهادی می‌تواند، با توجه به درجه‌ای از استقلال مکانیسم‌های توانمندسازی کنشگران محلی، مدیریت شایسته مناطق کلان‌شهری را آسان‌تر کند.

جدول ۱. مستندسازی شاخص‌های پژوهش

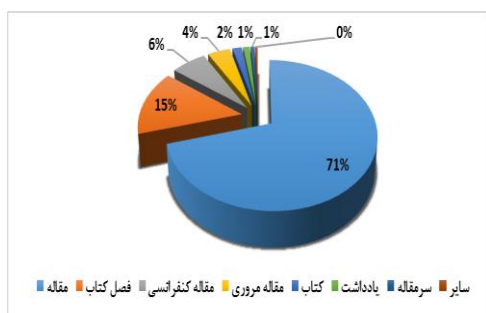
مؤلفه	شاخص‌ها	منابع مرتبط
هم‌افزایی	سرمایه و ظرفیت انسانی	Hudalah et al., 2014; Imbaruddin, 2003; Pierre, 2019; Scott, 2004; Baud et al., 2014 کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۱؛ علیان، ۱۳۹۸؛ لاله‌پور، ۱۳۹۶
درون‌نهادی	ظرفیت تعامل میان‌نهادی	Imbaruddin, 2003; Feiock, 2009; Healey et al., 2017; Pierre, 2019; Baud et al., 2014; Nelles, 2013; Hudalah et al., 2014 آقاعلی‌خانی و برک‌پور، ۱۳۹۱؛ مشکینی و همکاران، ۱۳۹۱؛ علیان، ۱۳۹۸

بدین منظور در پژوهش حاضر به سنجش ظرفیت هم‌افزایی درون‌نهادی و میان‌نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران اقدام و این ظرفیت‌ها بدین صورت تعریف شد:

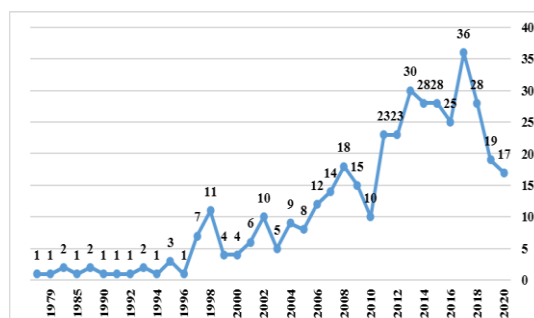
- ظرفیت تعامل میان‌نهادی: این شاخص و گویه‌هایی که متناظر با آن تهیه شده است با تأکید و اتکا بر پتانسیل و توان نهادهای مختلف برای هم‌افزایی میان‌نهادی بر این اعتقاد است که فرایند تعامل و هم‌افزایی میان‌نهادی مستلزم شرایطی است که نهادهای مختلف (حکومتی- دولتی، عمومی، مردمی، خصوصی) با توجه به پتانسیل موجود و در صورت ضعف در این پتانسیل با استفاده از راهکارهای ظرفیت‌ساز، زمینه و ظرفیت تعامل میان‌نهادی را فراهم کند.
- سرمایه و ظرفیت انسانی درون‌نهادی: نیروی انسانی با ارزش‌ترین منبع سازمانی است که اگر واجد ویژگی‌های تخصص، انگیزه، تعهد، و خلاقیت باشد دستیابی به مدیریت شایسته و بایسته در مناطق کلان‌شهری را نوید می‌دهد؛ به صورتی که با ایفای درست و آگاهانه نقش خود هم‌افزایی‌های درون‌نهادی و میان‌نهادی را ممکن می‌سازد.

پیشینه تجربی

در طول سال‌های اخیر مطالعه آماری پیشینه پژوهش در کنار توجه به بررسی نمونه‌های مطالعاتی دیدگاهی بهتر به محققان ارائه کرده است. مروری بر وضعیت پیشینه پژوهش حاضر، که بر اساس جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus و Web of Science انجام گرفته است، نشان می‌دهد بیشترین تعداد پژوهش‌ها^۱ در سال ۲۰۱۷ انجام شده است (شکل ۱). از منظر نوع انتشار پژوهش‌ها نیز مقالات با ۷۱ درصد بیشترین میزان درصد انتشار را به خود اختصاص داده‌اند و در رده‌های بعدی کتاب‌ها (فصول کتاب‌ها) و مقالات کنفرانسی به ترتیب با ۱۵ و ۶ درصد قرار دارند (شکل ۲).

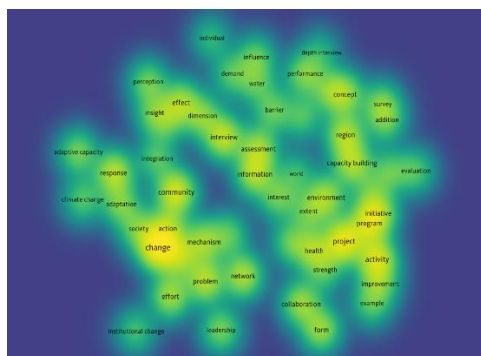


شکل ۲. فراوانی تعداد پژوهش‌های انجام‌شده

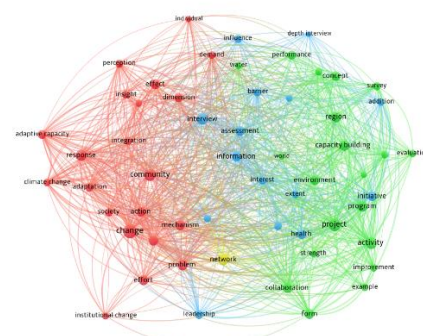


شکل ۱. فراوانی تعداد پژوهش‌های انجام‌شده

بر اساس شکل ۳، مفاهیم و واژگان هم‌رخداد در پژوهش‌ها در قالب پنج خوشه با رنگ‌های مجزا نشان داده شده است. در این حوزه واژگان ظرفیت‌سازی، تغییر اقلیم، ظرفیت‌سازی نهادی به عنوان سه واژه با بیشترین تکرار و کاربرد در پژوهش‌ها شناخته شده است. از دیگر مفاهیم مهم و پرتکرار در این پژوهش‌ها می‌توان به تغییرات نهادی، رهبری، ظرفیت‌سازی، تشریک مساعی، سازوکار، شبکه، و ... نیز اشاره کرد. شکل ۳ نقشه شبکه هم‌رخدادی واژگان پژوهش‌ها و شکل ۴ نقشه تراکمی مفاهیم مشترک و هم‌رخداد را در پیشینه پژوهش نشان می‌دهد.



شکل ۴. نقشه تراکمی مفاهیم هم‌رخدادی واژگان در پیشینه پژوهش



شکل ۳. نقشه شبکه هم‌رخدادی واژگان در پیشینه پژوهش

سنجش و ارزیابی ظرفیت نهادی در حوزه‌ها مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است که می‌توان بر اساس حوزه‌های موضوعی به موارد جدول ۲ اشاره کرد.

۱. گفتنی است کاهش تعداد پژوهش‌ها در سال‌های اخیر به‌ویژه در سال ۲۰۲۰ به دلیل تأخیر برخی از ژورنال‌ها در انتشار مقالات نیز هست.

جدول ۲. پیشینه پژوهش‌های خارجی

نویسندگان	سال	شرح
براون و همکاران	۲۰۱۰	این پژوهش به بررسی ظرفیت نهادی کنشگران مختلف تغییر اقلیم در کشور کنگو پرداخته است. نتایج حاصله نشان می‌دهد در حالی که آگاهی تصمیم‌گیرندگان از تغییرات آب‌وهوایی بالا است، ظرفیت نهادی در حوزه پیوندهای ضعیف بین نهادهای دولتی در سطح ملی و بین سطوح مختلف دولت و جوامع در سطح بسیار پایینی قرار دارد.
پولک	۲۰۱۱	این مقاله ظرفیت‌های شکل‌دهی ارائه رویکردی یکپارچه برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در غرب سوئد را بررسی می‌کند. نتایج این پژوهش با استفاده از ترکیبی از تئوری در زمینه ظرفیت‌سازی سازمانی و یادگیری پایدار مورد ارزیابی قرار گرفته است و ارتقای ظرفیت نهادی را در گرو ارتقای پیوندهای ارتباطی بین بخش‌های سازمانی و سطوح حاکمیتی و با افزایش دانش دانسته است.
براون و همکاران	۲۰۱۳	این مقاله به بررسی موضوع ظرفیت‌های نهادی در برخورد با مسئله تغییر اقلیم پرداخته است که توجه به ظرفیت‌های نهادی و ایجاد شبکه‌های نهادی را کارآمد دانسته‌اند.
بتینی و همکاران	۲۰۱۵	در این مقاله مسئله ظرفیت نهادی در حوزه انتقال آب شهری مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت به ارائه چارچوبی تحلیلی برای سیستم‌های فنی-اجتماعی آب شهری جهت ترسیم بافت نهادی آن‌ها پرداخته است.
کارز و همکاران	۲۰۱۷	این پژوهش با استفاده از یک تیم بین‌المللی متشکل از متخصصان اجتماعی و شهری چالش‌های مفهومی حکمروایی شهری، تحولات سیاست‌گذاری، و تجربیات عملی را به طور انتقادی تحلیل می‌کند و مجموعه‌ای از راهکارها را برای ایجاد ظرفیت‌های نهادی جدید ارائه می‌کند.
مالالی و مادروی	۲۰۱۷	این مقاله به بررسی اهمیت ظرفیت‌سازی در حوزه حکمروایی و توسعه منطقه‌ای می‌پردازد و بیان می‌کند که «حکمروایی برای توسعه پایدار» به عنوان تعدیل کارآمد شیوه‌های حکمرانی و ساختارهایی که تاملات اجتماعی را تنظیم می‌کنند تعریف می‌شود و از این طریق توسعه اجتماعی را در مسیری پایدار از طریق فرایند سازگاری ارائه می‌کند.
ایساکسون و هاگبرگ	۲۰۲۰	این پژوهش ظرفیت نهادی را برای توسعه پایدار در شهرداری‌های کوچک مورد مطالعه قرار می‌دهد و با تحلیل سیاست‌های توسعه محلی و برنامه‌ریزی انرژی و کاربری زمین و مصاحبه‌های کیفی با سیاستمداران، برنامه‌ریزان، و بازیگران محلی و جامعه مدنی یک تصویر تجربی غنی از شرایط خاص ارائه می‌دهد و بیان می‌کند که توسعه ظرفیت‌های نهادی در شهرداری‌های کوچک باید با اتکا به دیدگاه‌های انتقال‌محور صورت پذیرد.
کولیچ ^۱ و همکاران	۲۰۲۱	این پژوهش به بررسی توسعه ظرفیت نهادی در یک محیط زنده از فرایند شکل‌گیری سیاست پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از افزایش دانش و درک شرکت‌کنندگان از ابزارهای حکمرانی است؛ طوری که هماهنگی و همکاری به طور مستمر آشکار می‌شود و نیاز به مقابله با پیچیدگی و عدم اطمینان وجود دارد.

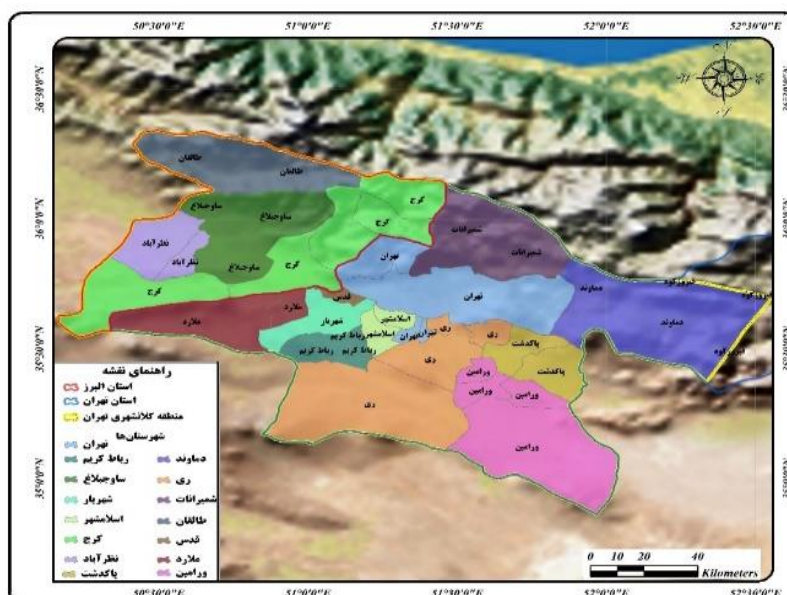
جدول ۳. پیشینه پژوهش‌های داخلی

نویسندگان	سال	شرح
آخوندی و برک‌پور	۱۳۸۹	این مقاله به طور خاص بر راهبردهای منطقه‌گرایی کلان‌شهری در تهران به منظور کاستن از آثار سوء تفرق سیاسی متمرکز است و در نهایت مجموعه‌ای از راهبردهای گام به گام پیشنهاد می‌دهد تا از این راه بتوان امکان تحقق منطقه‌گرایی در تهران را افزایش داد.
کاظمیان و میرعبادی	۱۳۹۰	در این پژوهش، عوامل مؤثر بر یکپارچگی مدیریت شهری در سطح سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در نمونه موردی شهر تهران با روش کمی شناسایی شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد تعدد عناصر و کنشگران ذی‌ربط و در نتیجه روابط متفرق میان‌سازمانی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، ساختار توزیع قدرت در میان عناصر ذی‌ربط تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، و عوامل مرتبط با منابع و ابزار قدرت و حاکمیت در موضوع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری از عوامل مؤثر بر عدم یکپارچگی سیاست‌گذاری در مدیریت شهری است.
براتی و همکاران	۱۳۹۰	در این پژوهش جدایی شهرستان‌های ری و شمیرانات از کلان‌شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته و تهدیدها و فرصت‌های این جدایی احصاء شده است. در نهایت ضرورت‌ها و الزامات مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر تهران ارائه شده است.
بصیرت و همکاران	۱۳۹۱	این مقاله، به منظور بهره‌مندی شهر-منطقه‌ها از مزایای مثبت جهانی شدن و کاهش آثار منفی آن، به ضرورت تجدید ساختار در نظام حکمروایی شهر-منطقه‌ها در عصر جهانی شدن تأکید دارد. از این رو، چارچوبی مبتنی بر حکمروایی کلان‌شهری خوب پیشنهاد داده است که چهار اصل هنجاری ارتقای سطح رقابت‌پذیری شهری، نقش‌آفرینی فعال در حوزه دیپلماسی شهری و حکمروایی جهانی، ارتقای سطح زیست‌پذیری، و عدالت فضایی و حکمروایی کلان‌شهری خوب و یکپارچه را مبتنی بر مجموعه‌ای از رویکردهای نظری پشتیبان به منظور توفیق حکمروایی کلان‌شهری در عصر جهانی شدن ضروری می‌شمارد.
صیامی و وکیلی	۱۳۹۵	این پژوهش با رویکرد تحلیلی و توصیفی و تجویزی ضمن بررسی چالش‌های رویه‌ای و محتوایی سازوکارهای غیرمشارکت‌جویانه موجود در عرصه حکمروایی منطقه کلان‌شهری تهران چهار سناریو را در قالب یک پیشنهاد فرایندمحور ارائه کرده است که در آن ابتدا روش انتخاب غیرمستقیم مدیر منطقه کلان‌شهری و روش انتخاب مستقیم شورای منطقه کلان‌شهری مورد تأکید قرار گرفته و پس از ایجاد بسترهای سیاسی و اجتماعی روش انتخاب مستقیم مدیر منطقه کلان‌شهری و انتخاب مستقیم شورای منطقه کلان‌شهری پیشنهاد شده است.
لاله‌پور	۱۳۹۶	این مقاله به شناخت مؤلفه‌های ظرفیت نهادی-مدیریتی فضاهای شهری و رابطه آن با مشارکت شهروندان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین اقدام به مشارکت و مؤلفه‌های نهادی و مدیریتی دخیل در مشارکت شهروندان در منطقه مورد مطالعه رابطه وجود دارد.
علیان و همکاران	۱۳۹۷	در این مقاله بایستگی‌های ساختاری احراز مدیریت کارآمد در مناطق کلان‌شهری ایران در چارچوب رهیافت نومنطقه‌گرایی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصله نشان می‌دهد در سطح مدیریت مناطق کلان‌شهری خلأ مدیریت وجود دارد و لزوم نوعی تجدید ساختار در حکومت‌های محلی و استانی جهت شکل‌گیری این سطح مدیریتی احساس می‌شود که به مثابه حلقه حکومت منطقه کلان‌شهری، درون طیفی از منطقه‌گرایی قرار می‌گیرد.
ربانی و همکاران	۱۳۹۷	این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوای اسناد و پژوهش‌های صورت‌گرفته در مورد حکمروایی کلان‌شهر تهران فهرستی از موانع را شناسایی کرده و با استفاده از روش دلفی آنی به اصلاح و اولویت‌بندی آن‌ها پرداخته است. نتایج حاصله از پژوهش بیانگر آن است که اثرگذاری دولت و نهادهای حکومتی بر مشروعیت ساختار حکمروایی کلان‌شهر تهران، چندپارگی در مدیریت و تصمیم‌گیری در درون شهرداری، سیاست‌زدگی شورا و مدیریت شهری، و غلبه قدرت نهادهای حکومتی و دولتی بر مردم جزء موانع کلیدی (دووجهی) محسوب می‌شوند که در صورت اصلاح آن‌ها سایر موانع کم‌ویس تحت تأثیر قرار می‌گیرند و زمینه اصلاح کلی سیستم فراهم می‌شود.
علیان و همکاران	۱۳۹۷	این پژوهش با تشریح و کاربست نظریه بازی‌ها در عرصه مدیریت شهری نشان می‌دهد وضعیتی که به عنوان پایدارترین وضعیت کنش و بازی میان کنشگران مطرح است مستلزم اصلاحات ساختاری و شناخت مفهوم منطقه کلان‌شهری در نظام تقسیمات سیاسی کشور با همراهی سایر نهادهای مؤثر است.
علیان و همکاران	۱۳۹۸	این مقاله، ضمن توجه به بحث تفرق‌های مدیریتی و قلمروی در منطقه کلان‌شهری تهران، پایداری و مطلوبیت تعادلی در مدیریت این منطقه کلان‌شهری را در گرو نهادسازی و بسترسازی نهادی با توجه به ظرفیت‌های نهادی موجود معرفی می‌کند.

بررسی سابقه پژوهش‌های این حوزه نشان می‌دهد پژوهش‌های ارزشمند بسیاری در حوزه مدیریت مناطق کلان‌شهری انجام شده است. اما به طور ویژه هیچ‌یک از آن‌ها به سنجش ظرفیت‌ها نپرداخته‌اند. بنابراین این مسئله به عنوان خلأ پژوهشی تشخیص داده شد و این پژوهش به برطرف کردن آن مبادرت کرد.

محدوده مورد مطالعه

بر اساس آخرین سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۹۵، تقسیمات سیاسی در محدوده منطقه کلان‌شهری تهران شامل ۴۴ بخش که از آن با عنوان قلمرو حکومتی یاد می‌شود، ۵۹ شهر و محدوده شهرداری که از آن با عنوان قلمرو مدیریتی یاد می‌شود، و ۹۵ دهستان است. شکل ۵ این تقسیمات سیاسی منطقه کلان‌شهری و همه شهرهای منطقه (قلمروهای مدیریتی) را نشان می‌دهد. نگاهی به این تقسیمات سیاسی حکومتی و مدیریتی به عنوان شاخصی مهم میزان تفرق سیاسی موجود در منطقه کلان‌شهری را نشان می‌دهد؛ طوری که این منطقه کلان‌شهری علاوه بر ماهیت بین‌بخش و بین‌سازمانی در نظام مدیریتی خود واجد ویژگی بین قلمرویی نیز هست.



شکل ۵. نقشه تقسیمات سیاسی در منطقه کلان‌شهری تهران

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر ظرفیت نهادی منطقه کلان‌شهری تهران را از منظر هم‌افزایی درون‌نهادی و میان‌نهادی مورد بررسی قرار داده است. بنابراین، بنا بر ماهیت مسئله مورد بررسی، این پژوهش از منظر هدف در رده پژوهش‌های کاربردی و از منظر روش در رده پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی قرار دارد که با روش پیمایشی انجام شده است. سنجش ظرفیت نهادی هم‌افزایی در دو سطح درون‌نهادی و میان‌نهادی مورد بررسی قرار گرفته است.

داده‌های مورد نیاز از طریق ابزار پرسشنامه و در قالب طیف لیکرت به دست آمده است. سنجش اعتبار محتوایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش حاضر با استفاده از نظرات ده نفر از متخصصان و پژوهشگرانی که در حوزه نهادگرایی و همچنین در حوزه مناطق کلان‌شهری فعالیت پژوهشی داشته‌اند انجام شد و طی دو مرحله اصلاحات مورد نیاز بر شاخص‌ها و گویه‌ها اعمال شد. این اصلاحات در قالب حذف تعدادی از گویه‌هایی بود که کمترین امتیاز را گرفته بودند و سپس با استفاده از پیشنهادها و نظرات ارائه‌شده تعدادی از گویه‌ها نیز اصلاح و همچنین اضافه شد تا اینکه در نهایت روایی و اعتبار ابزار جمع‌آوری اطلاعات مورد تأیید متخصصان قرار گرفت. آزمون انطباق بین سازه نظری و سازه تجربی پژوهش نیز از طریق تحلیل عاملی اکتشافی انجام گرفته

است تا قبل از تحلیل‌های مرتبط از اعتبار سازه ابزار پژوهش اطمینان حاصل شود. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فوق که در جدول ۴ آمده است مقدار آزمون KMO برای شاخص ظرفیت هم‌افزایی درون‌نهادی برابر با ۰/۸۶۴ و برای شاخص ظرفیت هم‌افزایی میان‌نهادی برابر با ۰/۷۴۱ است که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد معنادار است. مطابق با نتایج به‌دست‌آمده می‌توان استنباط کرد که ماتریس همبستگی میان گویه‌ها ماتریس همانی و واحد نیست و از این حیث می‌توان گفت داده‌ها دارای روایی سازه‌ای قابل قبولی برای پژوهش هستند.

جدول ۴. نتایج آزمون بار تلت و شاخص KMO

میان‌نهادی	درون‌نهادی	آزمون‌ها
0.741	0.864	<i>Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.</i>
1246.167	9709.747	Approx. Chi-Square
595	378	df
.000	.000	<i>Bartlett's Test of Sphericity</i> Sig.

مهم‌ترین و پرکاربردترین روش محاسبه میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری در نرم‌افزار SPSS روش آلفای کرونباخ^۱ است که پایایی ابزار پژوهش حاضر نیز با این روش مورد بررسی قرار گرفته است. مقادیر به‌دست‌آمده از این آماره برای شاخص ظرفیت هم‌افزایی درون‌نهادی برابر با ۰/۷۱۴ و برای شاخص ظرفیت تعامل میان‌نهادی برابر با ۰/۹۰۱ بود که از این حیث دارای پایایی قابل قبول است و در مجموع می‌توان گفت ابزار سنجش (پرسشنامه) جهت انجام دادن پژوهش اعتبار مناسب و قابل قبول دارد. جامعه آماری پژوهش شامل همه نهادهایی است که با توجه به سطح و قلمرو پژوهش در محدوده منطقه کلان‌شهری وجود دارند و به عنوان یکی از کنشگران اثرگذار در منطقه کلان‌شهری فعال هستند. این جامعه آماری بر اساس تقسیم‌بندی مبنای پژوهش در قالب چهار گروه نهادهای دولتی، نهادهای عمومی، نهادهای مردمی، و نهادهای خصوصی دسته‌بندی شده است. بر اساس آمار و اطلاعات تعداد نهادهای دولتی در سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۳۰ نهاد هستند که حدود ۵۶۴۷۹ نفر مرد و ۸۹۹۹۵ نفر زن عضو (کارمند) دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). همچنین جامعه آماری در گروه نهادهای عمومی شامل شهرداران و اعضای شهرداری‌های منطقه کلان‌شهری (تعداد ۵۹)، شوراهای اسلامی شهری و شورای عالی شهرستان و استان (حدود ۷۶۹۳۵ نفر)، و همچنین دانشگاه‌های مستقر در قلمرو منطقه کلان‌شهری هستند. جامعه آماری در سازمان‌های غیردولتی ۱۱۱۴ سازمان غیردولتی و مردم‌نهاد است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳) که البته قلمرو و سطح اثرگذاری همه آن‌ها در سطح منطقه کلان‌شهری نیست و دارای سطح و محدوده عملکردی محلی هستند.

در پژوهش حاضر، نهادهای نماینده بخش خصوصی نیز شامل دو گروه اثرگذار بر منطقه کلان‌شهری انتخاب شدند که شامل نمایندگان اصناف مختلف و نمایندگان جامعه مهندسان مشاور است. تعداد اصناف فعال در منطقه کلان‌شهری تهران که به ثبت رسیده‌اند ۵۴۵ صنف است و ۲۲ اتاق اصناف فعال است و حدود ۴۰۹۱۷۳ نفر نیز عضو دارد (دبیرخانه هیئت عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی کشور، ۱۳۹۷). همچنین جامعه مهندسان مشاور فعال در منطقه کلان‌شهری که در حوزه‌های شهرسازی، تأسیسات شهری، ترافیک و حمل‌ونقل، مدیریت و مطالعات اقتصادی و اجتماعی، و محیط زیست فعال هستند حدود ۱۵۵ عضو دارد (جامعه مهندسان مشاور ایران، ۱۳۹۶) که به عنوان نماینده‌ای از بخش خصوصی نقش مهمی در شکل‌دهی و ساماندهی امور مختلف منطقه کلان‌شهری دارند.

پس از شناخت نهادهای اثرگذار بر منطقه کلان‌شهری تهران، با توجه به قلمرو عملکردی این نهادها و نظر به سطح منطقه‌ای و فضایی پژوهش حاضر و محدودیت‌های مالی و نیروی انسانی پژوهش، پایشی بر تعداد نهادهای موجود انجام گرفت تا جامعه آماری برای امر نمونه‌گیری قابل دسترس و واقع‌بینانه شود. در واقع از میان همه نهادهای فعال در این محدوده نهادها و سازمان‌هایی که دارای کارکرد و عملکرد محلی هستند و اثرگذاری کمتر در کل محدوده منطقه کلان‌شهری دارند در قالب یک پایش و غربالگری و با بهره‌گیری از نظرات متخصصان (ده نفر متخصص) از دایره جامعه نمونه خارج شدند و نهادها و

کنشگران اثرگذار در سطح منطقه کلان‌شهری که دارای کارکرد و عملکردی در این سطح هستند به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. حجم نمونه با یکی از متداول‌ترین روش‌های تعیین حجم نمونه یعنی فرمول کوکران ۴۰۰ نمونه برآورد شد و با استفاده از روش سهمیه‌ای، سهم نمونه‌ها در گروه‌های نهادی چهارگانه مشخص شد (جدول ۵). به منظور قابل‌تعمیم بودن و اعتبار نتایج داده‌ها نیز از روش نمونه‌گیری تصادفی برای تکمیل پرسشنامه‌ها استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده نیز با استفاده از آزمون T-test و آزمون F و تحلیل واریانس به تفکیک گروه‌های چهارگانه نهادی انجام گرفت.

جدول ۵. حجم نمونه در گروه‌های آماری

نهادها	درصد جامعه	تعداد پرسشنامه‌ها
نهادهای دولتی	۴۰/۲۲	۱۶۰
نهادهای عمومی	۳۱/۶۳	۱۲۵
نهادهای مردمی	۱۴/۸۷	۶۰
نهادهای خصوصی	۱۳/۲۸	۵۰

تجزیه و تحلیل

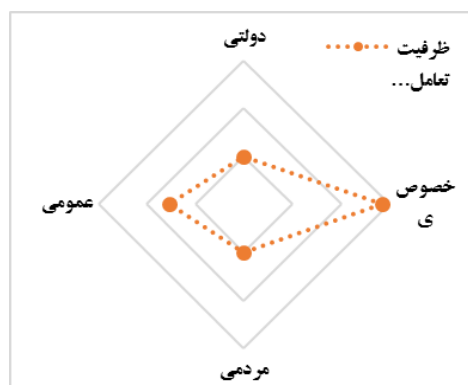
سنجش وضعیت ظرفیت هم‌افزایی درون‌نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران

زمانی که هدف سنجش وضعیت میانگین یک جامعه آماری باشد، با توجه مقیاس ابزار پژوهش و جامعه آماری مورد بررسی، از چند آزمون می‌توان استفاده کرد که یکی از آن‌ها آزمون T-test است. نتایج حاصله از این آزمون به تفکیک گروه‌های نهادی در جدول ۶ و همچنین شکل ۶ آمده است. این نتایج نشان می‌دهد شاخص سرمایه و ظرفیت انسانی با توجه به سطح اطمینان ۹۵ درصد و مقدار آماره t در نهادهای دولتی (۶/۱۳۲)، عمومی (۳/۷۲۸)، مردمی (۲۸/۷۸۰)، و خصوصی (۳۳/۶۷۹) در حوزه هم‌افزایی درون‌نهادی اختلاف معناداری با میانگین دارد. این اختلاف در نهادهای مردمی و خصوصی، به ترتیب با ۶/۵ و ۵/۲ اختلاف با میانگین، بیشتر از حد متوسط است و از این نظر می‌توان گفت شاخص سرمایه و ظرفیت انسانی جهت هم‌افزایی درون‌نهادی در میان نهادهای مردمی و خصوصی نسبت به نهادهای دولتی و عمومی بیشتر است.

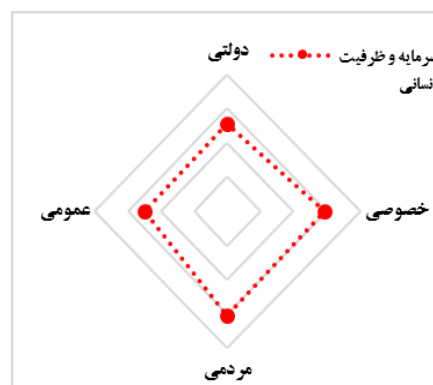
در حوزه هم‌افزایی میان‌نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران (جدول ۶ و شکل ۷)، نتایج حاکی از آن است که شاخص ظرفیت تعامل میان‌نهادی در میان نهادهای کنشگر در منطقه کلان‌شهری تهران، با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده، که کمتر از ۰/۰۵ است، نشان می‌دهد ظرفیت و تمایل به هم‌افزایی میان‌نهادی در میان نهادها معنادار است و این میزان با توجه به مقدار به‌دست‌آمده و مقایسه آن با حد متوسط گویه‌ها نشان می‌دهد که این ظرفیت در میان نهادهای خصوصی و مردمی نسبت به نهادهای دولتی و عمومی بیشتر است.

جدول ۶. نتایج آزمون t-test از شاخص‌های هم‌افزایی درون‌نهادی

شاخص	نهاد	آماره t	سطح معناداری	اختلاف از فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
				اختلاف میانگین	اختلاف
سرمایه و ظرفیت انسانی	دولتی	۶/۱۳۲	۰/۰۰۰	۱/۷۰	۲/۲۵۰
	عمومی	۳/۷۲۸	۰/۰۰۰	۰/۸۰۰	۱/۲۲۶
	مردمی	۲۸/۷۸۰	۰/۰۰۰	۶/۵۰۰	۶/۹۴۸
	خصوصی	۳۳/۶۷۹	۰/۰۰۰	۵/۲۰۰	۵/۵۰۶
ظرفیت تعامل میان‌نهادی	دولتی	۱۷/۸۳۹	۰/۰۰۰	۳/۰۰۰	۳/۳۳۳
	عمومی	۲۳/۹۹۷	۰/۰۰۰	۴/۱۰۰	۴/۴۳۹
	مردمی	۱۷/۸۳۹	۰/۰۰۰	۳/۰۰۰	۳/۳۳۳
	خصوصی	۳۱/۰۴۹	۰/۰۰۰	۶/۷۰۰	۲/۱۲۸



شکل ۷. مقایسه میانگین شاخص ظرفیت تعامل میان‌نهادی



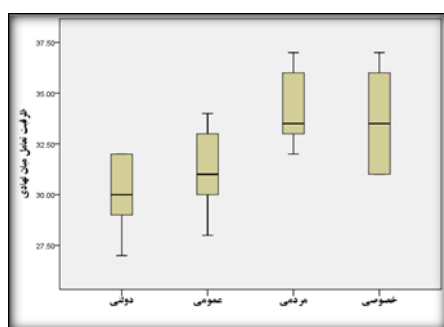
شکل ۸. مقایسه میانگین شاخص سرمایه و ظرفیت انسانی

تحلیل واریانس هم‌افزایی در منطقه کلان‌شهری

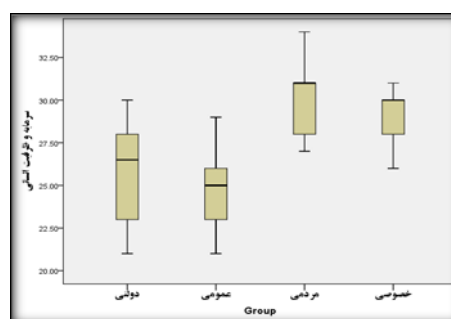
آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه یا آزمون F برای بررسی تفاوت میانگین یک متغیر در بین بیش از دو گروه به کار می‌رود. در این آزمون، که تعمیم‌یافته آزمون T با دو نمونه مستقل است، مقایسه میانگین‌ها و هم‌قواری چند جامعه راحت‌تر از آزمون T است. در آزمون F، واریانس کل جامعه به عنوان عوامل اولیه آن تجزیه می‌شود که به همین دلیل به آن آزمون آنالیز واریانس^۱ نیز گفته می‌شود (حبیب‌پور و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۵۵۸). کارایی این آزمون از این جهت که مقایسه‌های چندگانه میان گروه‌ها در آن قابل انجام دادن است باعث شد تا در پژوهش حاضر جهت بررسی وضعیت میانگین شاخص‌های تبیین‌کننده ظرفیت هم‌افزایی درون‌نهادی و میان‌نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران، در گروه‌های چهارگانه دولتی، عمومی، مردمی، و خصوصی مورد استفاده قرار گیرد. یکی از گام‌های اولیه‌ای که قبل از انجام دادن آزمون‌های تحلیل واریانس باید انجام داد فرض برابری آنالیز واریانس است و سپس با توجه به نتایج به‌دست‌آمده مبنی بر برابری یا نابرابری واریانس‌ها و با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری نوع آزمون انتخاب می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۷ و شکل ۸ و شکل ۹ از آزمون لون نشان می‌دهد با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است واریانس گروه‌های دولتی، عمومی، مردمی، و خصوصی برابر نیست و از این نظر فرض برابری واریانس گروه‌ها تأیید نمی‌شود. بنابراین در انتخاب آزمون‌های مقایسه‌ای چندگانه باید آزمون‌هایی مورد استفاده قرار گیرد که مبتنی بر شرط عدم برابری واریانس نمونه‌ها هستند.

جدول ۷. نتایج بررسی آزمون برابر واریانس نهادهای کنشگر در منطقه کلان‌شهری تهران

شاخص‌ها	آماره لون	df ^۱	df ^۲	سطح معناداری
درون‌نهادی سرمایه و ظرفیت انسانی	۱۱/۸۲۹	۳/۰۰۰	۳۹۶/۰۰۰	۰/۰۰۰
میان‌نهادی ظرفیت تعامل میان‌نهادی	۷/۱۲۲	۳/۰۰۰	۳۹۶/۰۰۰	۰/۰۰۰



شکل ۹. نمودار آزمون برابری واریانس شاخص ظرفیت تعامل میان‌نهادی



شکل ۱۰. نمودار آزمون برابری واریانس شاخص سرمایه و ظرفیت انسانی

تحلیل ارتباط میان شاخص‌های هم‌افزایی در منطقه کلان‌شهری تهران

گام بعدی در تفسیر نتایج آزمون F بیان معناداری یا عدم معناداری وضعیت تفاوت شاخص‌های ظرفیت هم‌افزایی درون‌نهادی و میان‌نهادی میان نهادهای دولتی، عمومی، مردمی، و خصوصی است که به صورت گروه‌های جفتی و به تفکیک شاخص‌های پژوهش انجام گرفته است.

شاخص سرمایه و ظرفیت انسانی که به مثابه بارزترین منبع سازمانی مطرح است در صورتی که واجد ویژگی‌های تخصص، انگیزه، تعهد، و خلاقیت باشد دستیابی به مدیریت شایسته و بایسته در مناطق کلان‌شهری را می‌تواند نوید دهد؛ به صورتی که با ایفای درست و آگاهانه نقش خود هم‌افزایی‌های درون‌نهادی و میان‌نهادی را ممکن می‌سازد. در همین زمینه جدول ۸ وضعیت شاخص سرمایه و ظرفیت انسانی را جهت هم‌افزایی درون‌نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران آزمون کرده است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده از مقایسه‌های چندگانه نهادها و با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، در همه مقایسه‌ها تفاوت میانگین بین گروه‌های چهارگانه معنادار است. این اختلاف در میان نهادهای دولتی و عمومی کمتر است. اما تفاوت معناداری ندارند. بنابراین اختلاف میانگین به صورتی است که در نهادهای مردمی و نهادهای خصوصی سرمایه و ظرفیت انسانی نسبت به نهادهای دولتی و عمومی بهتر ارزیابی شده است و در واقع این نهادها ظرفیت و پتانسیل خود را بهتر ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۸. مقایسه چندگانه وضعیت کنشگران از نظر شاخص سرمایه و ظرفیت انسانی

95% Confidence Interval		Sig.	Std. Error	Mean Difference (I-J)		
Upper	Lower					
۱/۷۱۱	۰/۰۸۸	۰/۰۲۳	۰/۳۱۴	*۰/۹۰۰	عمومی	دولتی نهادهای
-۳/۹۸۹	-۵/۶۱۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	*۴/۸۰۰	مردمی	
-۲/۲۸۹	-۴/۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	*۳/۵۰۰	خصوصی	
-۱/۰۸۸	-۱/۷۱۱	۰/۰۲۳	۰/۳۱۴	*۰/۹۰۰	دولتی	عمومی نهادهای
-۴/۸۸۹	-۶/۵۱۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	*۵/۷۰۰	مردمی	
-۳/۵۸۹	-۵/۲۱۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	*۴/۴۰۰	خصوصی	
۵/۶۱۱	۳/۹۸۹	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	*۴/۸۰۰	دولتی	مردمی نهادهای
۶/۵۱۱	۴/۸۸۹	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	*۵/۷۰۰	عمومی	
۲/۱۱۱	۰/۴۸۹	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	*۱/۳۰۰	خصوصی	
۴/۳۱۱	۲/۶۸۹	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	*۳/۵۰۰	دولتی	خصوصی نهادهای
۵/۲۱۱	۳/۵۸۹	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	*۴/۴۰۰	عمومی	
-۰/۴۸۹	-۲/۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	*۱/۳۰۰	مردمی	

شاخص ظرفیت تعامل میان‌نهادی با تأکید و اتکا بر پتانسیل و توان نهادهای مختلف برای هم‌افزایی میان‌نهادی بر این اعتقاد است که فرایند تعامل و هم‌افزایی میان‌نهادی در مناطق کلان‌شهری مستلزم شرایطی است که نهادهای مختلف (حکومتی-دولتی، عمومی، مردمی، خصوصی) با توجه به پتانسیل موجود و در صورت ضعف در این پتانسیل با استفاده از راهکارهای ظرفیت‌ساز زمینه و ظرفیت تعامل میان‌نهادی را فراهم کنند. نتایج حاصله (جدول ۹) نشان می‌دهد به جز نهادهای مردمی و خصوصی سایر نهادها از نظر شاخص ظرفیت تعامل میان‌نهادی تفاوت معناداری با میانگین دارند. با توجه به اینکه سطح معناداری مقایسه میان نهادهای مردمی و خصوصی (۰/۴۰۹) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، نهادهای مردمی و خصوصی از منظر شاخص ظرفیت تعامل میان‌نهادی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول ۹. مقایسه چندگانه وضعیت کنشگران از منظر شاخص ظرفیت تعامل میان‌نهادی

95% Confidence Interval		Sig.	Std. Error	Mean Difference (I-J)		
Upper	Lower					
-۰/۴۳۴	-۱/۷۶۶	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	-۱/۱۰۰*	عمومی	نهادهای دولتی
-۳/۴۳۴	-۴/۷۶۶	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	-۴/۱۰۰*	مردمی	
-۳/۰۳۴	-۴/۳۶۶	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	-۳/۷۰۰*	خصوصی	
۱/۷۶۶	۰/۴۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	-۱/۱۰۰*	دولتی	نهادهای عمومی
-۲/۳۳۴	-۳/۶۶۶	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	-۳/۰۰۰*	مردمی	
-۱/۹۳۴	-۳/۲۶۶	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	-۲/۶۰۰*	خصوصی	
۴/۷۶۶	۳/۴۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	۴/۱۰۰*	دولتی	نهادهای مردمی
۳/۶۶۶	۲/۳۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	۳/۰۰۰*	عمومی	
۱/۰۶۶	-۰/۲۶۶	۰/۴۰۹	۰/۲۵۸	۰/۴۰۰	خصوصی	
۴/۳۶۶	۳/۰۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	۳/۷۰۰*	دولتی	نهادهای خصوصی
۳/۲۶۶	۱/۹۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	۲/۶۰۰*	عمومی	
۰/۲۶۶	-۱/۰۶۶	۰/۴۰۹	۰/۲۵۸	-۰/۴۰۰*	مردمی	

طبقه‌بندی نهادهای منطقه کلان‌شهری تهران از منظر شاخص‌های ظرفیت هم‌افزایی درون‌نهادی و میان‌نهادی (بیان کیفیت تفاوت شاخص‌ها میان نهادها)

بررسی کیفیت تفاوت میان شاخص‌های هم‌افزایی درون‌نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران گام بعدی در بررسی وضعیت شاخص‌های ظرفیت هم‌افزایی پژوهش حاضر است. در جدول ۱۰ نهادهای دولتی، عمومی، مردمی، و خصوصی به تفکیک وضعیت و میانگین هر یک از شاخص‌ها طبقه‌بندی شده است. در این جدول میانگین وضعیت هر یک از نهادهای چهارگانه در گروه‌های همگن و به ترتیب از کمترین به بیشترین به صورت صعودی نمایش داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود از منظر شاخص سرمایه و ظرفیت انسانی هر یک از نهادها در گروهی جداگانه قرار گرفته است و از نظر این شاخص گروه‌های چهارگانه نهادی همگن نیستند و میان آن‌ها تفاوت وجود دارد.

در بررسی شاخص هم‌افزایی میان‌نهادی که نتایج آن در جدول ۱۱ آمده است نهادهای مردمی و خصوصی به صورت مشترک در طبقه سوم قرار گرفته‌اند و نسبت به نهادهای دولتی و عمومی تمایل و پتانسیل بیشتری به هم‌افزایی میان‌نهادی دارند.

جدول ۱۱. طبقه‌بندی نهادهای کنشگر در منطقه کلان‌شهری تهران به

تفکیک شاخص‌های هم‌افزایی درون‌نهادی			
Subset for alpha = 0.05			
طبقه ۳	طبقه ۲	طبقه ۱	
		۳۰/۰۰۰	دولتی
	۳۱/۱۰۰		عمومی
۳۳/۷۰۰			خصوصی
۳۴/۱۰۰			مردمی
۰/۴۰۹	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	سطح معناداری

جدول ۱۰. طبقه‌بندی نهادهای کنشگر در منطقه کلان‌شهری تهران به تفکیک

شاخص‌های هم‌افزایی درون‌نهادی			
Subset for alpha = 0.05			
طبقه ۴	طبقه ۳	طبقه ۲	طبقه ۱
			۲۴/۸۰۰
		۲۵/۷۰۰	عمومی
	۲۹/۲۰۰		دولتی
			خصوصی
۳۰/۵۰۰			مردمی
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	معناداری

نتیجه

بر اساس آنچه مورد بررسی قرار گرفت هم‌افزایی نهادی به مثابه بذر سیاست‌های مشارکتی و گفت‌وگویی شناخته می‌شود که در کنار اعتماد اجتماعی و قواعد نهادی می‌تواند محصول پربار مشارکت نهادمند و کنش‌های جمعی گفت‌وگومبنا را به ارمغان بیاورد. در همین زمینه چارچوب کنش جمعی نهادی در مناطق کلان‌شهری را می‌توان در قالب هم‌افزایی‌های درون‌نهادی و میان‌نهادی جست‌وجو کرد که کنش جمعی میان کنشگران را به واسطه موقعیت و اقتدار و ترتیبات قانونی معنا می‌کند و بسترساز کنش

عامدانه در سطوح بالاتر از سطوح محلی است و همین تعاملات (برهم‌کنش‌های) بین و درون واحدهای نهادی می‌تواند با توجه به درجه‌ای از استقلال مکانیسم‌های توانمندسازی کنشگران محلی مدیریت شایسته مناطق کلان‌شهری را آسان‌تر کند. بنابراین هم‌افزایی درون‌نهادی و میان‌نهادی در مناطق کلان‌شهری مؤلفه کلیدی و قوام‌بخش سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود که با تأکید بر ابعاد کنشگری نهادی اعتماد را بازتولید می‌کند و این اعتماد به عنوان پیش‌زمینه و بستر تعامل‌های اجتماعی و میان‌نهادی نقش مهمی در فرایندهای همکاری و هماهنگی و هم‌افزایی دارد و می‌تواند بهره‌برداری از پتانسیل‌های بهینه مناطق کلان‌شهری و مدیریت و حکمروایی شایسته آن‌ها را نیز به ارمغان بیاورد. اما مسئله اساسی در این حوزه شناخت ظرفیت‌های درونی و برونی نهادها در ارتقای هم‌افزایی‌هاست.

بر اساس نتایج حاصله از بررسی ظرفیت هم‌افزایی نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران هم‌افزایی درون‌نهادی در میان نهادهای مردمی و خصوصی نسبت به نهادهای دولتی و عمومی بیشتر است. بنابراین می‌توان گفت در منطقه کلان‌شهری تهران شاخص سرمایه و ظرفیت انسانی در حوزه هم‌افزایی درون‌نهادی اختلاف معناداری با میانگین دارد و این اختلاف در نهادهای مردمی و خصوصی بیشتر از حد متوسط است و این نهادها نسبت به نهادهای دولتی و عمومی سرمایه و ظرفیت انسانی جهت هم‌افزایی درون‌نهادی بیشتری دارند. همچنین ظرفیت و تمایل به هم‌افزایی میان‌نهادی در میان نهادهای مختلف معنادار است و این ظرفیت در میان نهادهای خصوصی و نهادهای مردمی نسبت به نهادهای دولتی و عمومی بیشتر است. این مسئله در فرض یکسانی آمار میانگین شاخص‌ها در نهادهای چهارگانه دولتی، عمومی، مردمی، و خصوصی نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج فرض یکسانی میانگین گروه‌ها در هم‌افزایی‌های درون‌نهادی و میان‌نهادی را رد می‌کند. بنابراین، تمرکز بر ظرفیت‌های بیشتر در نهادهای خصوصی و مردمی جهت بهره‌برداری از آن‌ها و اصلاح ساختار قدرت موجود در منطقه کلان‌شهری تهران با تأکید بر ظرفیت بیشتر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان راهبردهای زیر را جهت توسعه ظرفیت‌های هم‌افزایی درون‌نهادی و میان‌نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران ارائه کرد:

- تشکیل واحدی در سازمان‌های مختلف با عنوان واحد تسهیلگری در هم‌افزایی نهادهای منطقه کلان‌شهری که وظیفه آن ایجاد هم‌افزایی میان نهادهای مختلف باشد. با توجه به ضعف و خلأ قانونی در مدیریت مناطق کلان‌شهری، این واحد تسهیلگر بهتر است در ابتدا در نهاد شوراهای اسلامی شهرها و روستاهای منطقه کلان‌شهری شکل بگیرد و در مرحله بعدی به سازمان‌ها و نهادهای مدیریت منطقه کلان‌شهری تسری پیدا کند.
- هم‌افزایی نهادی در منطقه کلان‌شهری تهران با سیستمی از مشارکت‌های هم‌گرا از نهادها و سازمان‌های کنشگر با پشتیبانی و پشتوانه قانونی باید همراه باشد. پس شناخت سطح منطقه کلان‌شهری یکی از اولین قدم‌ها از منظر قانونی محسوب می‌شود و در کنار آن پایان بخشیدن به حرکت‌های ضدمنطقه‌گرایانه در منطقه کلان‌شهری تهران مطمح نظر است. مقصود از این حرکت‌های ضدمنطقه‌گرایانه تشکیل استان‌های جدید است. مسئله‌ای که با تشکیل استان البرز آغاز شد و سپس زرمه‌های تشکیل استان‌های دیگر از جمله تهران جنوبی به مرکزیت ورامین به گوش می‌رسد و از این حیث به مثابه حرکتی کاملاً ضدمنطقه‌گرایانه، که با رویکردهای حکمروایی منطقه‌ای و مبتنی بر نهادگرایی در مناطق کلان‌شهری منافات دارد، روندی کاملاً مخاطره‌آمیز هم‌سو با هم‌افزایی‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود.
- توجه به بحث آموزش کارکنان جهت ظرفیت‌سازی هم در حوزه هم‌افزایی درون‌نهادی هم در حوزه هم‌افزایی میان‌نهادی در نهادهای دولتی و عمومی منطقه کلان‌شهری تهران باید مورد توجه بیشتر قرار بگیرد.
- تشکیل شورای مناطق کلان‌شهری که متشکل از شوراهای اسلامی سکونتگاه‌های مستقر در منطقه کلان‌شهری تهران است. این پیشنهاد با استناد به نتایج حاصله در وجود ظرفیت‌های بیشتر در نهادهای خصوصی و مردمی و اصلاح ساختار قدرت موجود در منطقه کلان‌شهری تهران است. این امر مستلزم تدوین قانون در مرحله نخست و سپس تدوین دستورالعمل اجرایی تشکیل شورای مناطق کلان‌شهری در منطقه کلان‌شهری کشور است.

منابع

- اصغری، حسن‌علی؛ قاسمی، حاکم و کشاورز ترک، عین‌الله (۱۳۹۶). الگوی نهادی آینده‌نگاری راهبردی منطقه‌ای در نظام حکمروانی جمهوری اسلامی ایران. راهبرد، ۲۶ (۸۴)، ۳۷ - ۵۷.
- آخوندی، عباس؛ برک‌پور، ناصر؛ اسدی، ایرج؛ طاهرخانی، حبیب‌الله؛ بصیرت، میثم و زندی، گلزار (۱۳۸۶). حاکمیت شهر - منطقه تهران: چالش‌ها و روندها، هنرهای زیبا، ۲۹ (۱)، ۵ - ۱۶.
- آخوندی، عباس و برک‌پور، ناصر (۱۳۸۹). راهبردهای استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان‌شهری تهران. راهبرد، ۱۹ (۵۷)، ۲۳۷ - ۳۲۴.
- براتی، ناصر؛ ثامن، امیر و سلیمان‌نژاد، محمدعلی (۱۳۹۰). ضرورت‌ها و الزامات مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر تهران (جدایی شهرستان‌های ری و شمیرانات از کلان‌شهر تهران؛ تهدید یا فرصت). تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- برک‌پور، ناصر؛ احمد آخوندی، عباس؛ طاهرخانی، حبیب‌الله و اسدی، ایرج (۱۳۸۵). تفرق سیاسی و مدیریتی در اداره منطقه کلان‌شهری تهران، پیامدها و راهبردها. تهران: دومین سمینار ساخت‌وساز در پایتخت.
- برک‌پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۸۸). مدیریت و حکمروایی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- بصیرت، میثم؛ عزیزی، محمدمهدی؛ زبردست، اسفندیار و آخوندی، عباس (۱۳۹۰). فرصت‌ها و چالش‌های حکمروایی کلان‌شهری خوب در عصر جهانی شدن (مطالعه موردی: تهران). هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱۷ (۱)، ۵ - ۱۶.
- حبیب‌پور گنابی، کرم و صفری شالی، رضا (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی. تهران: متفکران.
- دویران، اسماعیل (۱۳۹۱). ارائه الگوی مدیریت یکپارچه شهری در ساماندهی محلات اسکان غیررسمی با تأکید بر شهرهای میانی ایران (شهرهای زنجان و همدان). رساله دوره دکتری تخصصی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ربانی، طاها؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ مشکینی، ابوالفضل و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۷). تحلیل موانع نهادی آینده حکمروایی توسعه پایدار کلان‌شهر تهران. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۲ (۱)، ۱۲۴ - ۱۵۳.
- صیامی، قدیر و وکیلی، جواد (۱۳۹۵). تبیین سناریوهای مشارکت‌جویانه و دموکراتیک نهادی در ساختار نظام حکمروایی منطقه کلان‌شهری تهران. مجلس و راهبرد، ۲۳ (۸۶)، ۲۶۹ - ۳۰۲.
- عزیزی، محمدمهدی؛ ابویی اردکان، محمد و نوری، نسرين (۱۳۹۱). بررسی نقش کنشگران و ابزارهای مدیریت شهری در یکپارچگی مدیریت کلان‌شهر تهران. هویت شهر، ۶ (۱۰)، ۵ - ۱۶.
- علیان، مهدی (۱۳۹۸). تبیین نهادگرایی در حکمروایی منطقه‌ای (موردپژوهی: منطقه کلان‌شهری تهران). رساله دوره دکتری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده علوم زمین.
- علیان، مهدی؛ اسماعیل‌زاده، حسن؛ رضویان، محمدتقی؛ فنی، زهره و فرجی‌راد، خدر (۱۳۹۷). بایستگی‌های ساختاری احراز مدیریت کارآمد در مناطق کلان‌شهری ایران در چارچوب رهیافت نومنته‌گرایی. مجلس و راهبرد، ۲۵ (۹۴)، ۱۷۹ - ۲۰۷.
- علیان، مهدی؛ رضویان، محمدتقی؛ اسماعیل‌زاده، حسن؛ فنی، زهره و فرجی‌راد، خدر (۱۳۹۷). کاربست نظریه بازی‌ها در تحلیل کنشگران عرصه مدیریت مناطق کلان‌شهری. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۲ (۴)، ۵۳ - ۸۵.
- علیان، مهدی؛ محمدپور، صابر و رضویان، محمدتقی (۱۳۹۸). مدل‌سازی و تحلیل راهبردی رابطه میان کنشگران منطقه کلان‌شهری تهران با رویکرد نظریه بازی‌ها. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۹ (۳۱)، ۱۳۱ - ۱۵۲.
- فرجی‌راد، خدر و کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۱). توسعه محلی و منطقه‌ای از منظر رهیافت نهادی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فیروزی، محمدعلی؛ امان‌پور، سعید و زارعی، جواد (۱۳۹۷). تحلیل مناسبات میان‌نهادی در مدیریت بازآفرینی شهری پایدار بافت‌های فرسوده، مطالعه موردی: کلان‌شهر اهواز. مطالعات شهری، ۸ (۲۹)، ۱۹ - ۳۰.
- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۳). تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان‌یابی فضا، تلاش برای طراحی مدل (نمونه: منطقه کلان‌شهری تهران). رساله دوره دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کاظمیان، غلامرضا؛ فرجی‌راد، خدر؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و پورطاهری، مهدی (۱۳۹۱). سنجش و تدوین راهبردهای مناسب ارتقای ظرفیت نهادی منطقه‌ای (نمونه موردی: شهرستان‌های بوکان و ارومیه). مطالعات شهری، ۱ (۲)، ۲۳ - ۳۹.
- کاظمیان، غلامرضا و میرعابدینی، زهره (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۳ (۴۶)، ۲۷ - ۳۸.

- لاله‌پور، منیژه (۱۳۹۶). تحلیلی بر ظرفیت نهادی- مدیریتی فضاهای شهری در ارتباط با مشارکت شهروندان در اداره شهرها (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر تبریز). *جغرافیا و توسعه*، ۱۵ (۴۹)، ۵۹ - ۸۰.
- مشکینی، ابوالفضل؛ دوبران، اسماعیل؛ کاظمیان، غلامرضا و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۱). سنجش هم‌افزایی میان‌نهادی (بخش دولتی و عمومی) در مدیریت شهری شهرهای میانی ایران در مواجهه با اسکان غیررسمی (نمونه موردی: شهرهای زنجان و همدان). *جغرافیا و توسعه شهری*، ۱ (۱)، ۱۳۵ - ۱۵۵.
- Abreu, M. C. S. d. & Ceglia, D. (2018). On the implementation of a circular economy: The role of institutional capacity-building through industrial symbiosis, *Resources, Conservation and Recycling*, 138, 99-109.
- Akhundi, A. A. & Barakpour, N. (2009). Strategies for the establishment of governance system in the metropolitan area of Tehran, *Strategy Quarterly*, 19 (57), 237-324. (in Persian)
- Akhundi, A. A., Barakpour, N., Asadi, I., Taherkhani, H., Bsirat, M., & Zandi, G. (2007). Governance of the city-region of Tehran: challenges and trends, *Journal of Honar-Ha-ye-Ziba*, 29 (1), 5-16. (in Persian)
- Alian, M., Razavian, M. T., Esmailzadeh, H., Fanni, Z., & Farji-Rad, Kh. (2017). The application of game theory in the analysis of actors in the management of metropolitan areas, *Spatial Planning Quarterly*, 22 (4), 53-85. (in Persian)
- Alian, M. (2018). Explanation of institutionalism in regional governance (case study: Tehran metropolitan area). Ph.D. thesis. Tehran. Shahid Beheshti University. Faculty of Earth Sciences. (in Persian)
- Alian, M., Esmailzadeh, H., Razoavian, M. T., Fanni, Z., & Farji-Rad, Kh. (2017). Structural requirements of ensuring efficient management in metropolitan areas of Iran in the framework of neo-regionalism approach, *Majles and Rahbord Quarterly*, 25 (94), 179-207. (in Persian)
- Alian, M., Mohammadpour, S., & Razavian, M. T. (2018). Modeling and strategic analysis of the relationship between the actors in metropolitan area of Tehran with the approach of game theory, *Strategic Studies of Public Policy Quarterly*, 9 (31), 131-152. (in Persian)
- Asghari, H. A., Ghasemi, H., & Keshavarz Turk, A. (2016). The institutional model of regional strategic foresight, *The Governance System of the Islamic Republic of Iran*, *Strategic Quarterly*, 26 (84), 37-57. (in Persian)
- Azizi, M. M., Aboui Ardakani, M., & Nouri, N. (2017). Investigating the role of actors and urban management tools in the integrity of the management of the metropolis of Tehran, *Hoviyat-e-Shahr Quarterly*, 6 (10), 5-16. (in Persian)
- Barakpour, N., Akhundi, A. A., Taherkhani, H., & Asadi, I. (2006). Political and managerial differences in the administration of the metropolitan area of Tehran, consequences and strategies. Tehran: The Second Seminar on Construction in the Capital. (in Persian)
- Barakpour, N. & Asadi, I. (2008). *Urban management and governance*. Tehran: University of Art Publications. (in Persian)
- Barati, N., Samani, A., & Soleimannejad, M. A. (2018). Requirements of integrated management in Tehran metropolis (separation of Ray and Shemiranat cities from Tehran metropolis; threat or opportunity). Tehran: Tehran City Planning and Studies Center Publications. (in Persian)
- Basirat, M., Azizi, M. M., Zebardast, E., & Akhundi, A. A. (2016). Opportunities and challenges of good metropolitan governance in the age of globalization; A case study of Tehran, *Journal of Honar-Ha-ye-Ziba - Architecture and Urban Development*, 17 (1), 5-16. (in Persian)
- Baud, I., Pfeffer, K., Scott, D., Denis, E., & Sydenstricker-Neto, J. (2014). Participatory'spatial'knowledge management configurations in metropolitan governance networks for SD.
- Bettini, Y., Brown, R. R., de Haan, F. J., & Farrelly, M. (2015). Understanding institutional capacity for urban water transitions, *Technological Forecasting and Social Change*, 94, 65-79.
- Brown, H. C. P. (2009). Climate change and Ontario forests: prospects for building institutional adaptive capacity, *Mitigation and adaptation strategies for global change*, 14(6), 513-536.
- Brown, H. C. P., Nkem, J. N., Sonwa, D. J., & Bele, Y. (2010). Institutional adaptive capacity and climate change response in the Congo Basin forests of Cameroon, *Mitigation and adaptation strategies for global change*, 15(3), 263-282.
- Brown, H. C. P., Smit, B., Somorin, O. A., Sonwa, D. J., & Ngana, F. (2013). Institutional perceptions, adaptive capacity and climate change response in a post-conflict country: a case study from Central African Republic, *Climate and Development*, 5(3), 206-216.
- Brown, H. C. P., Smit, B., Somorin, O. A., Sonwa, D. J., & Nkem, J. N. (2014). Climate change and forest communities: prospects for building institutional adaptive capacity in the Congo Basin forests, *Ambio*, 43(6), 759-769.
- Brown, R. R. (2008). Local institutional development and organizational change for advancing sustainable urban water futures, *Environ Manage*, 41(2), 221-233.

- Cars, G., Healey, P., Madanipour, A., & De Magalhaes, C. (2017). *Urban governance, institutional capacity and social milieu*: Routledge.
- Čolić, R., Milić, Đ., Petrić, J., & Čolić, N. (2022). Institutional capacity development within the national urban policy formation process – Participants' views, *Environment and Planning C: Politics and Space*, 40(1), 69–89.
- Daviran, I. (2017). *An integrated urban management model in organizing informal settlements with an emphasis on the middle cities of Iran (Zanjan and Hamadan cities)*. thesis of the specialized doctorate course. Tehran. Tarbiat Modares University. Faculty of Literature and Humanities. (in Persian)
- Farji-Rad, Kh. & Kazemian, Gh. (2012). *Local and regional development from the perspective of institutional approach*. Tehran. Jihad University Press. (in Persian)
- Feiock, R. C. (2009). Metropolitan governance and institutional collective action, *Urban Affairs Review*, 44(3), 356-377.
- Firouzi, M. A., Amanpour, S., & Zarei, J. (2017). Analysis of inter-institutional relations in the sustainable urban regeneration management of dilapidated structures, case study: Ahvaz metropolis, *Urban Studies Quarterly*, 8 (29), 19-30. (in Persian)
- Habibpour Getabi, K. & Safari Shali, R. (2008). *A comprehensive guide to the use of SPSS in survey research*. Tehran: Motafakeran Press. (in Persian)
- Healey, P. (1998). Building institutional capacity through collaborative approaches to urban planning, *Environment and planning A*, 30(9), 1531-1546.
- Healey, P., Cars, G., & Madanipour, A. (2017). *Urban Governance in Complex Societies: challenges of institutional adaptation*. *Urban Governance, Institutional Capacity and Social Milieux*.
- Healey, P., Cars, G., Madanipour, A., & De Magalhaes, C. (2017). Transforming governance, institutionalist analysis and institutional capacity *Urban governance, institutional capacity and social milieu* (pp. 20-42), Routledge.
- Hudalah, D., Firman, T., & Woltjer, J. (2014). Cultural Cooperation, Institution Building and Metropolitan Governance in Decentralizing Indonesia, *International Journal of Urban and Regional Research*, 38(6), 2217-2234.
- Imbaruddin, A. (2003). *Understanding institutional capacity of local government agencies in Indonesia*. PH. D. Desertation. Research School of Social Sciences. National Centre for Development Studies and The Australian National University.
- Isaksson, K. & Hagbert, P. (2020). Institutional capacity to integrate 'radical' perspectives on sustainability in small municipalities: experiences from Sweden, *Environmental Innovation and Societal Transitions*, 36, 83-93.
- Kazemian, Gh. (2004). *Explaining the relationship between governance structure and urban power with space organization, an attempt to design a model (Tehran metropolitan area example)*. Ph.D. thesis. Tehran. Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Kazemian, Gh., Farji-Rad, Kh., Ruknuddin Eftekhari, A. R., & Portahari, M. (2012). Assessing and developing appropriate strategies for improving regional institutional capacity (case example: Bukan and Urmia cities), *Urban Studies Quarterly*, 1 (2), 23-39. (in Persian)
- Kazemian, Gh. & Mirabdini, Z. (2017). Pathology of integrated urban management in Tehran from the perspective of urban policy making and decision-making, *Journal of Honar-Ha-ye-Ziba - Architecture and Urban Planning*, 3 (46), 27-38. (in Persian)
- Lalepour, M. (2016). An analysis of the institutional-management capacity of urban spaces in relation to citizens' participation in city administration (case study: District 8 of Tabriz city), *Geography and Development Quarterly*, 15 (49), 80-59. (in Persian)
- Meshkini, A., Daviran, E., Kazmian, Gh., & Ruknuddin Eftekhari, A. R. (2012). Assessment of inter-institutional synergy (government and public sector) in the urban management of middle cities of Iran in the face of informal settlement (case example: cities Zanjan and Hamadan), *Journal of Geography and Urban Development*, 1 (1), 135-155. (in Persian)
- Mullally, G. & Motherway, B. (2017). Governance for regional sustainable development: Building institutional capacity in the Republic of Ireland and Northern Ireland, *Perspectives on Rural Policy and Planning*, 69 (1), 41-58.
- Nalbandian, J. (2005). Professionals and the conflicting forces of administrative modernization and civic engagement, *The American Review of Public Administration*, 35(4), 311-326.
- Nelles, J. (2013). Cooperation and capacity? Exploring the sources and limits of city-region governance partnerships, *International Journal of Urban and Regional Research*, 37(4), 1349-1367.
- Ozcevik, O., Beygo, C., & Akcakaya, I. (2010). Building capacity through collaborative local action: Case of Matra REGIMA within Zeytinburnu regeneration scheme, *Journal of Urban Planning and Development*, 136(2), 169-175.